

در جاده بزرگ ابریشم (دیدارهایی در سرزمین قزاقها)

سنایی، مهدی^۱، در جاده بزرگ ابریشم (دیدارهایی در سرزمین قزاقها)، ترجمه محمد سلام مخشولوف، مسکو: انتشارات ادبیات شرق وابسته به آکادمی علوم روسیه، ۱۰۰۰ جلد، ۱۶۰ ص.

«در جاده بزرگ ابریشم» نام کتابی است که با این عنوان به زبان روسی در مسکو منتشر گردیده و ترجمه کتابی است که پیش از این در ایران به عنوان «ره آورد ماوراءالنهر» از سوی انتشارات بین‌المللی الهدی منتشر گردیده بود. در جاده بزرگ ابریشم حاصل دستنوشته‌ها و مطالعات نویسنده در طول سفرهای متعدد کاری و علمی به جمهوری‌ها و یک دوره مأموریت در قزاقستان است. در پیشگفتار چاپ فارسی کتاب آمده است: «مجموعه پیش‌رو، برخی دستنوشته‌ها در مدت اقامت سه ساله در قزاقستان است. دستاوردهای سفر به سایر جمهوری‌ها، حضور در محافل دانشگاهی و فرهنگی، تحقیق در پیشینه تاریخ قوم قزاق، سفرهای متعدد به استانهای این جمهوری، تحولات عمیق پس از فروپاشی شوروی در همه ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این جمهوری‌ها دستمایه اصلی این کتاب بوده است.»

۱. دکتر مهدی سنایی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روسیه، رایزن فرهنگی سابق ایران در قزاقستان و نویسنده چند کتاب و مقاله به فارسی و روسی در موضوعات جمهوری‌های آسیای مرکزی و روابط ایران با این منطقه است. در شماره پیشین مجله در معرفی کتاب دیگری از نویسنده (مهدی سنایی) به نام «بررسی روابط ایران و کشورهای مشترک‌المنافع» که به روسی نگاشته شده و در مسکو به چاپ رسیده نام نویسنده محمد ذکر شده و گنادی اوسپوف رئیس پژوهشگاه مطالعات سیاسی و اجتماعی آکادمی علوم روسیه که مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته بود به نام مترجم ذکر شده بود که به این وسیله تصحیح می‌گردد.

چاپ روسی کتاب با مقدمه‌ای از پروفسور «مییر» رئیس انستیتوی آسیا و آفریقای دانشگاه دولتی مسکو آغاز شده و وی مقدمه را چنین آغاز نموده است: «خاطرات سفر یکی از منابع مهم ادبی به‌شمار می‌آید. این نوشته‌ها به صورت گسترده‌ای مورد استفاده خوانندگان قرار می‌گیرد و توصیفی است از آنچه نویسندگان آنها از محیط و تحولات جاری در آن برداشت می‌نمایند. مورخین اینگونه دست‌نوشته‌ها را جزء معتبرترین مأخذ می‌دانند و آن را برتر از منابع رسمی قرار می‌دهند».

پروفسور مییر که یکی از شرق‌شناسان معروف روسیه است در این نوشتار با اشاره به چندین نوبت حضور خود در قزاقستان یادآور می‌شود که به‌رغم این که کتاب حاوی مطالبی در مورد یکی از جمهوری‌های سابق شوروی است اما می‌تواند برای خوانندگان روس نیز جالب باشد.

مقدمه کتاب که به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده نزدیک به پنج صفحه تدوین شده و بخشهای مختلف کتاب در آن مورد بررسی قرار گرفته است.

کتاب دارای فصل‌بندی‌های معمول نیست بلکه به شکل یک سفرنامه حاوی مجموعه یادداشت‌هایی از سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ هجری در مدت اقامت در قزاقستان ارائه‌گردیده است. به همین دلیل، بخشهایی از کتاب شرح مشاهدات و دیدارهای انجام گرفته است و در ضمن آن به مباحث عمیق‌تری همچون تاریخ، فرهنگ و آداب مردم قزاق، تحولات سیاسی و اقتصادی در این کشور، وضعیت کنونی جمهوری پرداخته شده است.

تاریخچه حضور ایرانیان در آسیای مرکزی، بررسی وضعیت ایرانیان در نقاط مختلف قزاقستان و دوره‌های مختلف حضور آنان در منطقه از جمله مباحث این کتاب است که در سه بخش مختلف و ضمن اشاره به دیدارهای متعدد با ایرانیان استان جنوبی قزاقستان و نهایتاً گشایش مرکز فرهنگی ایرانیان قزاقستان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در قزاقستان سه گروه ایرانی‌الاصول زندگی می‌کنند. یک گروه کوچک در ناحیه ترکستان که به دلیل اختلاطشان با محیط و اندک بودنشان چندان تعلق ایرانی در آنان دیده نمی‌شود.

گروه دوم آذری‌هایی هستند که پس از جنگ اول و در دهه سوم قرن بیستم به قزاقستان آمده و جمعیتشان قابل توجه است. این گروه در استان جامبول در منطقه «مرکه» و «چو» و اطراف آن و بعضاً در نواحی چیمکنت سکونت دارند و بیشترین جمعیت ایرانیان را تشکیل می‌دهند. گروه سوم نیز کسانی هستند که پس از جنگ دوم جهانی به قزاقستان آمده‌اند (یا آورده شده‌اند) و در نوشته‌ها از آنان با عنوان «پناهندگان سیاسی» یاد می‌شود و جالب است که آنان خود صددرصد از این عنوان احتراز می‌کنند. برای حفظ هویت ایرانیان قزاقستان و دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌بایست گام‌های جدی از سوی کشور پدیری‌شان برداشته شود.

روند توسعه در جمهوری قزاقستان و بررسی هویت ملی قزاق‌ها از جمله مباحث کتاب است. مؤلف در این زمینه وجود اقوام متعدد در قزاقستان، حضور سیصدساله روسیه در این سرزمین، مشکلاتی را که قزاقستان در زمینه احیای هویت ملی با آن روبروست و گام‌هایی که دولت در این زمینه برمی‌دارد مورد اشاره قرار می‌دهد.

نویسنده معتقد است: «با توجه به سابقه طولانی همزیستی با روس‌ها و این واقعیت که طی چند دهه فرهنگ و زبان روسی غلبه داشته است، بدون تردید روند احیای هویت ملی باید به آرامی صورت گیرد. هم‌اکنون گام‌های مؤثری در این راستا برداشته شده است. تعداد مدارس که در آنها درس‌ها به زبان قزاقی ارائه می‌شود افزایش یافته و اخیراً طی یک مصوبه دولتی همه کارمندان دولت تشویق به فراگیری زبان قزاقی شده‌اند و پس از گذشته مدت زمانی که در این قانون مقرر شده، موظف به یادگیری این زبان خواهند بود. قزاقستان همچون دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی در راستای احیای هویت تاریخی و ملی خود دست به اقدامات گسترده‌ای زده است. تکیه بر زبان قومی، گسترش شناخت از اسلام، بزرگداشت شخصیت‌های قومی و احیای برخی مظاهر تاریخی، از جمله شهرها و اماکن قدیمی را می‌توان در این راستا تحلیل نمود. وظیفه قزاقستان نسبت به سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی به دلایل متعدد تاریخی، ترکیب جمعیتی و موقعیت جغرافیایی بسیار دشوارتر است».

نویسنده به برگزاری بزرگداشت سه خصوصیت بزرگ قزاق طی سه سال در سطح ملی را

مورد اشاره قرار می‌دهد. آبای قوننبایف که پایه‌گذار ادبیات نوشتاری قوم قزاق محسوب می‌شود و نزد مردم قزاق از احترام ویژه‌ای برخوردار است، جامبول که موسیقی نواز و پایه‌گذار سنت مشاوری در میان قزاق‌ها بوده و مختار عویضوف که با نوشتن کتاب «راه آبی» نقش پل میان ادبیات کلاسیک و معاصر قزاق را ایفا کرد سه شخصیتی هستند که از آنان طی سه سال در سطح بسیار گسترده‌ای تجلیل شده است.

تاریخچه قوم قزاق‌ها و بررسی برخی آداب و سنن در این جمهوری همچون مشاعره در ادبیات قومی، آوازهای مردمی در قزاقستان، ویژگی‌های دستارخان (سفره) قزاقی و شرح انواع غذاهای محلی، شیوه برگزاری جشن نوروز و جشن سال نو میلادی و همچنین شرح برخی آیین‌های قومی قزاق‌ها و نهایتاً زبان فارسی در آسیای مرکزی و قزاقستان از جمله موضوعاتی است که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

در زمینه تاریخچه قوم قزاق، مؤلف معتقد است که نقل قول‌ها بسیار است، اما براساس برخی نوشته‌ها، قزاق‌ها - که تیره‌ای از قوم مغول هستند - در قرن اولیه پیش از میلاد به این نواحی کوچیده‌اند. از قرن ششم تا هشتم پس از میلاد «خاقان‌های ترک» و از قرن دهم تا دوازدهم پس از میلاد نیز «فراخانیان» بر این سرزمین حکومت می‌کرده‌اند. پس از آن تا قرن شانزدهم نوبت استیلای مغولان بود. پس از مغول‌ها دو نیروی جدید ترک در این ناحیه ظهور کرده‌اند. «تاتارهای نوغانی» و «ازبک‌ها». در اواخر قرن پانزدهم «خان نشین قزاق» قدرتی به هم زد و قلمرو آن گسترش یافت. به جز در دوره‌های کوتاهی در اوایل قرن شانزدهم - که حکومتی واحد تشکیل شد - قزاق‌ها در میان خود همیشه بر سر قدرت جنگ داشته‌اند. در اوایل قرن هفدهم بر مبنای اتحادیه‌های بین الطوائف سه خان نشین تشکیل شد. ارتباط با روسیه از قرن شانزدهم آغاز شده بود و در اوایل قرن نوزدهم روسیه مستقیماً اداره این مناطق را به عهده گرفت.

نویسنده همچنین در جای دیگر به نقش این سه خان نشین و سه جزء قوم قزاق (جزء‌های بزرگ متوسط و کوچک) در تاریخ این قوم و جایگاه کنونی این سه جزء در قزاقستان معاصر و نقش آن در سیاست کشور می‌پردازد.

عنوان دیگر مورد بحث در کتاب «اسلام در آسیای مرکزی و قزاقستان» است. نویسنده ضمن اشاره به تاریخ کهن اسلام در سایر جمهوری‌ها همچون ازبکستان و تاجیکستان معتقد است که: «شناخت قزاق‌ها از اسلام بسیار سطحی است». شاید در میان تمام اقوام مسلمان (حداقل اقوام متعددی در جمهوری‌های شوروی) اسلامی به کم‌رنگی اسلام قزاق‌ها وجود نداشته باشد. در علل این پدیده، دلایل مختلف تاریخی را می‌توان بیان کرد: در حالی که دین مقدس اسلام طی قرون دوم تا چهارم هجری در ماوراءالنهر و به صورت طبیعی در منطقه جنوبی قزاقستان کنونی انتشار یافت، برخی مورخین معتقدند که عمده چادرنشینان قزاق طی قرون هیجدهم و نوزدهم میلادی و توسط مبلغان تاتار مسلمان شده‌اند. علت دیگر مسکون نبودن و کوچرو بودن قزاق‌ها است. بدیهی است دین نیز مانند هر پدیده فرهنگی و اجتماعی دیگر در سکونت و شهرنشینی رشد و گسترش یافته است. در تمام مناطق مرکزی و شمالی قزاقستان طی قرن‌های پیشین مسجدی وجود نداشته است و خود قزاق‌ها می‌گویند: «مسجد آنان در دل‌هایشان جا داشته که آن را همراه خود جای به جای در دشت و صحرا حمل می‌کرده‌اند».

در همین بخش از کتاب، ساختار اداره مرکزی دینی مسلمانان در قزاقستان و فعالیت‌های آن و همچنین تاریخچه فعالیت‌های کلیسایی ارتدوکس در قزاقستان و سپس آزادی ادیان در جمهوری پس از فروپاشی و فعالیت فرقه‌های متعدد مورد بحث قرار می‌گیرد.

«طریقت یسویه» یک فرقه صوفیانه است که در منابع فارسی کمتر شناخته شده است و در قزاقستان این طریقت و رهبر آن خواجه احد یسوی از جایگاه بلندی برخوردارند. نویسنده در پایان مبحث اسلام به صورت مشروحی تاریخچه و آموزه‌های یسویه، خاستگاه و تأثیر پذیری آن از آموزه‌های بزرگان ایرانی و نقش آن در آینده قزاقستان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

نویسنده یادآور می‌شود که: «باید در نظر داشت که طریقت‌های عرفان و تصوف، یکی از عوامل اصلی حفظ و گسترش اسلام در منطقه بوده است. تنها از این رهگذر می‌توان چگونگی حفظ سنن و باورهای دینی را در میان بخش عظیمی از مسلمانان این منطقه طی هفتاد سال

حکومت بلشویک‌ها بررسی و تحلیل کرد. در خطه آسیای مرکزی طی قرون متمادی، فرقه‌های مختلفی از تصوف، تحت نامهای «نقشبندیه»، «کبرویه»، «قادریه» و «یسویه» گسترش یافته است. مستشرقان به پیروان فرقه‌های تصوف در این منطقه به عنوان مظاهر اسلام غیررسمی - که نقش عمده را در حفظ دین داشته‌اند - نگاه می‌کنند.

یک مبحث قابل توجه در کتاب، فروپاشی شوروی، تحولات پس از آن و مقایسه جمهوری‌ها قبل و پس از فروپاشی است. نویسنده بحث فروپاشی را از یک زاویه فرهنگی و اجتماعی دنبال می‌کند و تحقق نیافتن هویت نوین سوسیالیستی در شوروی، اختلاط ملیت‌ها و در عین حال حفظ باورها و سنن قومی، رشد جمعیت مسلمانان در سرزمین شوروی، تأثیرات اجتماعی اقتصاد دولتی و الکلیسم و بحران هویت در جمهوری‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. در همین زمینه یکی از جالب‌ترین بخشهای کتاب دیدار نویسنده با «چنگیز آیتموف» نویسنده بزرگ شوروی و دیدگاههای وی در زمینه روابط روس‌ها با سایر اقوام است. در این زمینه به تفاوت دیدگاه نویسندگان مقیم این جمهوری‌ها با نویسندگان غربی و بعضاً ایرانی در زمینه حضور و سلطه روسیه در جمهوری‌های آسیای مرکزی اشاره شده است. بحث در زمینه فروپاشی شوروی و آینده جمهوری‌ها به‌ویژه قزاقستان در بخشهای مختلف کتاب مطرح است.

توصیف طبیعت قزاقستان و به‌ویژه خزان پاییزی شهر آلماتی و سرمای شمال کشور، شیوه مهمانداری در خانه قزاق‌ها، شیوه تجلیل از دانشمندان، نظام آموزش متوسطه و عالی در جمهوری‌ها و تأثیر فروپاشی بر آن، وضعیت تلویزیون و رسانه‌ها در قزاقستان، فقر اقتصادی و تأثیر آن بر حقوق زنان، برخی نامه‌نگاری‌ها مربوط به حوادثی که در دوره مأموریت مؤلف اتفاق افتاده از جمله دیگر مباحث کتاب است.

مهدی سنایی